

## نیروهای ناتو و افغان

در جریان چند ماه اصرار برین بود که حملات حلقه‌های داخلی (حملات توسط پولیس افغان بالای پولیس خارجی) ماموریت نیروهای ائتلاف به رهبری ناتو در افغانستان را منحرف نخواهد ساخت. اما حالا فرمانده امریکایی بخش ناتو جنرال جان آلین دستور داد که از عملیات مشترک ناتو با پولیس و سربازان افغان "به طور موقت" کاسته شود تا خطر بیشتر تیراندازی "سبز-بالای-آبی" (نیروهای افغان بالای نیروهای ناتو) کاهش یابد. به نظر میرسد که این تصمیم در واشنگتن پس از موجی از کشتار بیشتر (نیروهای ناتو) رخ داده است. در 24 ساعت قبل ازین دستور در 16 ام سپتامبر، دو بریتانیایی و چهار امریکایی توسط افراد پولیس افغان به ضرب گلوله کشته شدند، که تعداد کشته شدگان سربازان نیروهای ائتلاف از چنین حوادث در سال جاری تا کنون به 51 نفر میرسد، در مقایسه با 35 کشته در سال 2011 و فقط 2 کشته در 2008.

هر چند وزیر دفاع بریتانیا، فیلیپ هاموند روز بعدی به مجلس عوام گفت که در خط مشی سیاسی (در مورد افغانستان) تغییری نخواهد آمد، اما این حوادث پیامدهای عمیق استراتژیک را در بر خواهد داشت. از هم اکنون افسران ملزم خواهند بود تا بخاطر پیوستن با نیروهای افغان در عملیات‌های پایین تر از سطح گردان (کندک)، از ژنرال ارشد باید خواهان مجوز شوند. این عملیات‌های کوچک‌تریست که به طور معمول شامل گشت و کاروانهایی میشود که اکثراً فعالیت‌های روزمره‌ی نظامی را علیه طالبان و شورشیان دیگر انجام میدهد. پیش ازین دستور، این نوع عملیات تا به حال به طور معمول با ترکیب نیروهای ناتو و افغان انجام میشد. فلسفه‌ی ائتلاف ناتو این بود که هم پیمانان (نیروهای ناتو و افغان) باید "شانه به شانه" با هم یکجا کار کنند. در بسیاری مناطق فرماندهان این را اجباری ساخته بودند تا نیروهایشان با نیروهای افغان در هرکاریکه انجام میدهند مساعی مشترک و واحد داشته باشند. این فرماندهان معتقد بودند که کنار هم کار کردن، بهترین راه برای آموزش و حمایت از نیروهای نوپای افغان است.

بریتانیا هنوز 9500 سرباز در جنوب افغانستان دارد و این نیروها در حفظ روابط نزدیک با همکاران افغان خود متعهد اند. اگر جنرال آلن به زودی این تصمیم خود را تغییر ندهد، راهبرد ناتو که واگذاری همه ی مسئولیت های امنیتی به نیروهای افغان و در نهایت پایان دادن به تمام عملیات جنگی در پایان سال 2014 می باشد، به شدت تضعیف خواهد شد.

در حال حاضر، علائمی آشکاراست که فرماندهان افغان که بیشتر به قدرت آتش نیروهای ناتو تکیه دارند و اینکه آنها به کمبود آموزش مواجه اند تا بتوانند در وقت ضرورت کمک هوایی را فرا بخوانند، که این همه باعث بی میلی تعامل نیروهای افغان با دشمن میشود. همینطور، برای نیروهای ناتو، فعالیت نمودن بدون نیروهای افغان در کنار هم برای کمک به مردم محل و برای بازرسی خانه ها و گشت زنی خیلی دشوار خواهد بود. گزارش و تحلیل های اولیه ی روزنامه نگاران تعبیه شده با واحد های امریکایی این است که بسیاری از عملیات یا لغو میشوند و یا هم اینکه به تعویق انداخته میشوند.

در مورد علت افزایش این نوع حملات از حلقه های داخلی اختلاف نظر وجود دارد. موقف رسمی ناتو درین مورد این است که تنها یک چهارم این نوع حملات در نتیجه ی نفوذ یا تهدید طالبان می باشد، ولی بقیه ی آن ناشی از اختلافات محلی است که اغلب تفاوت های فرهنگی باعث بروز چنین حملات میگردد. برخی از نیروهای امریکایی احساسات خود را در مقابل همکاران افغانشان نمیتوانند پنهان نگهدارند. آنها فکر میکنند که همکاران افغانشان یک عده آدم های تنبل و معتاد به مواد مخدر اند، و در حالیکه افغانهای همکارشان عمیقاً منزجر اند. دولت افغانستان به نوبه ی خود درین مورد معتقد است که دست اداره اطلاعات خارجی (پاکستان و ایران) در تطمیع و تهدید افراد تازه استخدام بسوی خشونت دخیل است.

ممکن است که همه ی این نظریه ها عناصری از حقیقت را در خود داشته باشد، اما حتی در حالیکه تنش در میان نیروهای افغان افزایش یافته است و در عین حال مسئولیت بیشتر به دوش افغانها گذاشته شده است، ولی آنها به قدرت اجازه مرخصی نمیگیرند و در عین حال میزان تلفات آنها به مقایسه با نیروهای ائتلاف ناتو بسیار بالاتر است. امکان

این می‌رود که بخاطر ترس از تشویق بیشتر طالبان، از سرعت نفوذ بیشتر نیروهای تازه استخدام جلوگیری شده باشد.

حال پرسش اینجاست که درین مورد چه میتوان کرد؟ بخشی از مشکل با استخدام سریع و گسترده در ارتش و پولیس تازه دم حل میشود. هدف امسال نائل شدن به 350000 سرباز بود که در حال حاضر این تعداد کامل شده است که نمایانگر بیش از دوچند تعداد سربازان سه سال پیش است. چون میزان انفکاک و غیبت سربازان (تلفات و بازنشستگی، و عمدتاً غیابت طولانی بدون مرخصی) بیش است، حفظ این تعداد نیاز به تلاش پایدار دارد. اکنون برای انتخاب سربازان جدید و همچنان سربازانیکه بعد از غایب شدن ناگاه دوباره بر میگردند، روش انتخاب و بررسی آنها سخت تر شده است. تلاش های ضد جاسوسی همچنان افزوده شده است و همچنان دستورات اضافی داده شده تا مراقب نیروهای ائتلاف ناتو در هنگام کار کردن با افغانها باشند. بهبود شرایط زندگی سربازان افغان هم شاید کمک کند.

به هر حال، هیچ یک ازین اقدامات یک راه حل سریع برای این مشکل نیست. مقر نیروهای ائتلاف ناتو در کابل این دستور را (کاهش عملیات مشترک نیروهای ناتو با نیروهای افغان) یک نوع سازش ماهرانه خوانده در حالیکه خطر افزایش این نوع حملات در واکنش به فیلم ضد اسلامی است که در امریکا تولید شد. بعد ازینکه واکنش های خشونت آمیز بخاطر این فیلم فروبنشینند، امکان این بوجود می آید تا عملیات تحت نظارت (نیروهای ناتو یکجا با نیروهای افغان) بشکل عادی خود برگردد. و همچنان برای جنرال آلن بعد از ختم انتخابات ریاست جمهوری لغو این دستور آسانتر خواهد بود.

اما عجالتاً، اعتماد (در بین نیروهای ناتو و افغان) ضربه دیده که برای طالبان پیروزی قابل توجهی میباشد. هر اتفاقی که سپس رخ بدهد، زیربنای راهبرد تمام تلاش ناتو - انتقال پیروزمندانه ی مسئولیت های امنیتی برای خود افغانها - که هرگز کار آسانی نبوده است، به چالش جدی روبرو میشود.

---

<sup>i</sup> <http://www.economist.com/node/21563358>